

متن پیاده سازی شده

بسم الله الرحمن الرحيم

مستحضرید که در جلسه قبل عرض کردیم که قول اصولیین در مورد حجیت ظواهر قرآن صحیح است.

با بیان چند نکته حدّ اندیشه اصولیین بمعلوم می شود.

نکته 1: اصولیین قبل از رجوع به قرآن، سراغ از روایات اهل بیت را می گیرند.

نکته 2: اصولیین تخصیص، تقیید و ناسخ را می پذیرند.

نکته 3: مراجعه اصولیین به قرآن به معنای این نیست که از قرآن در حوزه های که خود قرآن وارد نشده است، استفاده کنند؛

یعنی فقهای ما از اطلاق آیات، در همه زمینه ها استفاده نمی کنند مثلاً: برخی معتقدند که آیات عبادات در قرآن اطلاق ندارند و

نمی شود از اطلاق اقیما الصلاة عدم وجوب سوره را (در فرض شک) اثبات کرد، چرا که این آیه در صدد بیان جزئیات نبوده

است؛ ما معتقدیم خیلی از آیات در زمینه معاملات هم قابل اطلاق گیری نیست مثل اوفوا بالعقود و... .

استاد علیدوست: من بحث را با سه نکته به پایان می رسانم.

نکته 1: بنا شد که قرآن مورد مراجعه باشد ولی این حق قرآن است و تکلیف مجتهد است که همه قرائن لفظیه و غیر لفظیه،

متصل و غیر متصل، مکشوف و گاه نیمه مکشوف... از خود قرآن و غیر قرآن را ملاحظه کند.

داستان دزد انار و نان را دیده اید آن شخص به یک آیه تکیه کرده بود؛ (من جاء بالحسنه فله عشر امثالها ومن جاء بالسيئه فلا

يجزي الا مثلها) و سایر آیات را فراموش کرده بود و لذا اشتباه می کرد اما حضرت صادق با آیهی (انما يتقبل الله من المتقين)

او را ارشاد کرد و او را به اشتباهش ملتفت کرد. قرائن دیگر غیر از قرآن، چه ملفوظ (مخصص، مقیید، دال بر نسخ در

روایات).

بحث های در این زمینه پیش می آید مثل اینکه آیا عموم قرآن به خبر واحد تخصیص می خورد یا نه؟ استاد علیدوست: به نظر ما

قرآن را نمی شود به راحتی با هر خبری تخصیص زد مگر اینکه پشت خبر اجماع فقیهان و... باشد.

چه قرائن غیر ملفوظ (مثل عقل، دلیل لبی و...) همه قرائن از قبیل بالا نیست بلکه برخی قرائن مکشوف و برخی نیمه مکشوف

است؛ مثلاً بگردیم از قرآن آیه ای دیگر پیدا کنیم.

همه قرائن مکشوف نیست مثل: آیه شریفه (ثم لتسئلن يومئذ عن النعيم) امام رضا فرمودند: در دنیا نعمت حقیقی وجود ندارد؛

برخی از فقهاء ایراد کردند که این فرمایش شما با این آیه قرآن منافات دارد، حضرت فرمودند: که شما (سنی ها) به این آیه که

می رسید برخی هاتون آیه را تفسیر می کنید به غذای طاهر، برخی ها به آب خنک تفسیر می کنید و... حضرت فرمودند: همین

معنا نزد امام صادق مطرح شد و امام صادق در جواب اینها فرمودند: در این سوال منت خوابیده است و خدای متعال بندگان

را نهی کرده است که اگر چیزی انفاق کردند منت بگذارند؟! پس چطور خود خدا بر این انفاق ها منت بگذارد؟! بعد حضرت

فرمودند: این منت و نعمت، نعمت توحید و نبوت و ولایت ما اهل بیت است که از آنها در قیامت سوال می پرسد.

امام در اینجا در واقع از دو آیه دیگر... یکی: لا تبطلوا صدقاتکم بالمن والاذی و آیه ی دیگر که فرمود: لقد منّ الله علی المومنین

اذ بعث رسولاً من انفسهم... به این نتیجه رسید و این قرینه، نیمه مکشوف است.

نکته دوم: اشتراکات و افتراقات قرآن با سایر نصوص در بحث خودمان. (انعقاد ظهور، حجیت ظهور) ما پذیرفتیم همان طور که

ظاهر قرآن حجت است ظاهر سنت هم حجت است و لذا کسی نگفته است که عمومات و اطلاقات روایات حجت نیست. در

بین اصولی ها مرحوم شیخ انصاری: عمومات و اطلاقات قرآن در احکام عبادات مشکل است؛ مرحوم آقای خویی در برخی

مواقع تصریح می کند که استفاده بردن از عمومات کتاب مشکل است. این جزء افتراقات است. فارق دیگر: لایه دار بودن آیات قرآن است؛ ما قبول داریم که روایات هم از این شان برخوردارند ولی حضرات معصومین تعهد نداده اند که تمام کلماتشان لایه دار باشد یا تا 70 تا بطن داشته باشد. پیامبر فرمودند: انا و علی ابوا هذه الامه... این از اشارات قرآن کریم است.

آیا تفاسیری بطنی، حجیت سندی در استنباط دارد یا نه؟

آیا بر من واجب است که علمم را از اهل باطل نگیرم؛ طبق فرمایش بطنی امام هادی از آیهی (فلینظر الانسان الی طعامه) و تفسیر حضرت (به علمه الذی یاخذه ممن یاخذه).

نکته سوم: ما تقریباً پذیرفتیم که ما فی القرآن الا وله ظهر و بطن... اینجا ممکن است کسی به ما اشکال بگیرد و بگوید این گفته شما مخالف خود قرآن است که فرمود قرآن آیات محکم و متشابه دارد و مراد از محکم؛ یعنی دلالتش متقن است و سایر آیات هم به محکومات مراجعه داده می شود؛ چطور می شود آیه ای محکم باشد اما روایت بیاید او را تفسیر بکند؟!

الحمد لله رب العالمین